

مصاحبه با استاد حجت الاسلام والمسلمین محمد علی جاودان

اشاره: حجت الاسلام و المسلمین محمد علی جاودان (حفظه الله) از نوادگان مرحوم شیخ مرتضی زاهد (رحمه الله) و از اساتید مطرح تهران در عرصه تاریخ اسلام، اخلاق و کلام اسلامی است. ملازمت شایسته ایشان با مرحوم آیت الله حق شناس (رحمه الله) و مرحوم علامه عسکری (رحمه الله) موجب شده در مباحث اخلاقی و تاریخ اسلام شهرت بیشتری داشته باشند. ایشان علاوه بر تمحض در مباحث تاریخی و اخلاقی از دروس معقول نیز غفلت نورزیده و در این زمینه از بزرگانی چون: آیات حائری یزدی (رحمه الله)، مصطفوی و جوادی آملی (حفظهما الله)، بهره‌ها برده‌اند. عمر شریف ایشان در راستای تهذیب، تعلیم و تحقیق سپری شده که از این جهت نمونه علمی مناسب و مغتنمی برای حرکت علمی و اخلاقی طلاب جوان هستند. پای صحبت این استاد گرانقدر نشستیم تا کمی از پژوهش و اخلاق پژوهشی سخن بگویند، بلکه انعکاس کلام ایشان در میان طلاب، موجب پویایی و بالندگی مضاعف مسیر علمی و اخلاقی طلاب قرار گیرد. محصولات قلمی این استاد بزرگوار را در پایگاه اینترنتی <http://www.javedan.ir> بیابید.

به عنوان اولین سؤال بفرمایید، رویکرد معاونت پژوهش استان تهران در برگزاری جشنواره علامه حلی را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

جشنواره علامه حلی اسمش نشان نمیدهد برای چیست. باید یک زیر نویس داشته باشد. این جشنواره یک جریان بسیار خوب و مبارک در حوزه است، حتماً انسان باید آن را مثبت و مفید و با برکت بداند و تایید و تشویق کند. هر کاری که می‌تواند برای کمک به آن انجام دهد. مهم این است که شما که این بساط را برپا کرده‌اید بر اهداف اولیه‌تان پایدار بمانید و یک ذره کم نگذارید. جشنواره پنجم از جشنواره اول حتماً قویتر و پررونق‌تر باشد نه بالعکس؛ چون ترس این است که در کار به روزمرگی گرفتار شویم. چون کار زحمت دارد باید پایش ایستاد، جدی باشید و ادامه دهید. زحمت بکشید بیشتر زحمت بکشید، دنبال کنید و یک چیز مرده یا اصلاً متولد نشده‌ای را دنبال کنید، تقویت کنید یا ایجاد کنید.

بایسته‌های پیش روی پژوهش چیست؟

عموم طلبه‌ها باید در حوزه در جریان پژوهش قرار بگیرند، باید آموزش ببینند، نه اینکه صرفاً یک عده نوادر، یک عده نخبه مثلاً در حد نبوغ به سوی پژوهش بروند که همه چیز بایستی به پای خودشان باشد، این همان است که در گذشته بود. یک علامه امینی پدید آمده است، از یک حوزه بزرگ، قدیمی، مستحکم و قرص مثل نجف. از یک کشور بزرگ مثل ایران یک شرفالدین بوده و یک سید محسن امین بوجود آمده است. این مشکل نباید باشد، چون اینها به وجود نوادر و نوابغ وابسته هستند، روی پای خودش می‌ایستد، روی پای خودش کسب می‌کند، روی پای خودش تنوع می‌کند، روی پای خودش خستگی ناپذیری نشان میدهد، خودش را میکشد، روزی هفده ساعت کار می‌کند تا کار را بزرگ انجام دهد، اما مع‌الاسف نظیر دیگری ندارد و ما نمی‌خواهیم این باشد، این جشنواره هم برای این است. اساتید، این راه و رسم را با شاگردان خودشان تمرین کنند. چون جریان نیست و کار فردی است، گاه و بیگاه است. ما صد پژوهشگر همچون علامه امینی می‌خواهیم، علامه طباطبایی یک فرد بود آن هم یک نابغه.

طلبه در مسیر آموزشی خود که می‌باید از کیفیت مطلوبی نیز برخوردار باشد، باتوجه به توانمندی‌های کم یا زیاد خود به هر حال می‌تواند کمی در عرصه فرا درسی قلم بزند؛ آیا این کار را تایید می‌کنید؟ چه سطحی از آموزش را برای ورود به پژوهش توصیه می‌کنید؟

در دورانی که ما درس می‌خواندیم، براساس علاقه شخصی ممکن بود خود طلبه سراغ مطالعه تاریخ، عقاید یا قرآن و امثال این رشته‌ها و کارهای جنبی برود، البته واقعیتش این است اینگونه مطالعات و تحقیقات که کار جنبی نیست، تحقیقات، مطالعات و تبعات در زمینه‌هایی مثل تاریخ و عقاید یا قرآن، جزء کارهای اصلی هستند. اینها کارهایی هستند که قبلاً ممکن بود به عنوان جنبی باشند، اما امروزه به عنوان کار جدی مطرح‌اند؛ البته ناگزیر در روزهای اولیه حوزه نمی‌توان این درسها را مطرح کرد. اگر همین درسهای جنبی موجود جدی گرفته شود، انجام شود، راه را باز می‌کند تا اینکه فردای روزگار بتواند یک کار تازه و یک تحقیق تازه داشته و حرف تازه‌ای بزند. چون درسهای اصلی در حوزه، فقه است و اصول؛ درحالیکه ما در فقه و اصول حرف تازه خیلی کم می‌توانیم بزنیم. در عین حال چیزهای دیگری مثل تفسیر، مثل علوم قرآنی جزء نیازهای جدی ماست که پژوهش در آن خیلی جا دارد و می‌تواند انجام شود. این درسهای جنبی را اگر بتوانیم کمی جدیتر انجام بدهیم راهی تازه برای ما باز خواهد کرد. افراد ناگزیر یک مطالعات جنبی شخصی دارند، اگر بتوانیم این مطالعات را نظم بدهیم، خوب است؛ چون مطالعه بینظم بسیار بد است. فرض کنید مثلاً حدیث شناسی، درسی است که در شمار درسهای شما نیامده است. اما اگر منظم مطالعه کنید این مطالعه منظم می‌تواند برای فردای روزگار راههای جدیدی از تحقیق را به روی شما باز بکند.

با توجه به گرایش تخصصی شما به تاریخ اسلام، حرکت در این زمینه را در چه درجه‌ای از اهمیت می‌دانید؟

بنده تاریخ را یکی از اصولی‌ترین درسها در شناخت اسلام می‌دانم. اگر شما بخواهید اسلام را بشناسید ناگزیرید به اینکه تاریخ را به صورت دقیق و عالمانه و تحقیقی بدانید، که برای شناخت اسلام عامل بسیار مهمی است.

با توجه به نیازهای جامعه چه عرصه‌هایی را برای پژوهش به طلاب توصیه می‌فرمایید؟ و بفرمایید اساساً پژوهش چه مشکلاتی را از جامعه برطرف خواهد کرد؟

ما تمام عرصه‌های علوم دینی را برای پژوهش در عصر حاضر فوری و لازم می‌دانیم حتی فقه و اصول که این قدر گسترده و پیچیده است؛

در هر صورت و از هر جا با پژوهش و تحقیق درست و صحیح، باید دنبال حرف تازه بگردیم و کار تازه‌های در زمینه اصول انجام دهیم. فقه هم همین‌طور است. در این دو علم و همه علوم دینی عرصه‌های جدیدی وجود دارد، که تحقیقات جدیدی لازم دارد. رساله‌های فقهی فراوانی در زمینه بعضی از مسائل فقهی وجود دارد. 100 تا 200 رساله در این زمینه نوشته شده است. نه اینکه مهم نباشد مهم است؛ اما عرصه‌های جدیدی پیش رویمان به وجود آمده که به کار و تحقیق جدید احتیاج داریم. از جمله علم اصول که می‌گویند متورم شده، حتی آنجا هم به کار تحقیقی و پژوهشی جدید احتیاج داریم؛ اما نه آنقدر فوریت که رشته‌های دیگر علوم اسلامی، معارف و عقاید لازم دارند. علوم دیگر اسلامی نیاز به گستره وسیعی از کار تحقیقی دارند.

قرآن و علوم قرآنی دامنه بسیار وسیعی برای تحقیق و پژوهش دارند. استاد علامه عسکری (ره) می‌فرمودند زمانی قرار بود در مورد مسئله نسخ در آیات قرآن تحقیقی کنم و چیزی بنویسم. با توجه به اینکه مسئله نسخ از مسائل اصولی است در ابتدا فکر می‌کردم در این عرصه به حد کافی کار شده باشد، ولی بعد وقتی وارد شدم مشاهده کردم که کار نشده، فوق‌العاده هم کار نشده و احتیاج به تحقیق تازه و دقیق دارد. علوم قرآنی، تاریخ اسلام و عقاید، هزاران مساله کار نشده دارد و نیازمند کار هستند. جاهای گسترده دیگری برای تحقیق داریم. در کشورهای پیشرفته این طور عمل میکنند. یک مثالی برایتان می‌زنم یک دوستی داشتم در انگلستان در رشته برق درس می‌خواند، یک مساله برای تحقیق به ایشان داده بودند، میبیند یک چیزی بسیار جزئی و به نظر بدرد نخور برایش در نظر گرفته‌اند که باید یک سال کار تحقیقی در آزمایشگاه داشته باشد، تا به نتیجه برسد. پس یک کار پژوهشی به نظر غیر مفید، اما بعدا معلوم شد این مسئله یک حلقه از حلقه‌های یک تحقیق بسیار بزرگتر است. فرض کنید این مجموعه تحقیقاتی 500 حلقه دارد، پژوهش مذکور یک حلقه از آن 500 حلقه است. اینها دارند فکر میکنند که در 50 سال آینده کشور انگلستان به چه مقدار برق احتیاج دارد و چه راه‌های برای تامین برق وجود دارد. یک طرح کلی برای تحقیق باید وجود داشته باشد، ابتدا باید طرح کلان تحقیق و موضوع کلان مورد تحقیق مشخص شده باشد، مثلا در زمینه علوم قرآنی بگردید با اهل نظر مشورت کنید، کتابهایی بخوانید، مساله کشف کنید، بشود 500 مساله. 500 طلبه که حداقل به مرحله اعمال نظر نزدیک شده‌اند و در حد فوق لیسانس باشند و قدرت تحقیق داشته باشند؛ هر کدام به یک مسئله از آن 500 مسئله بپردازد.

چه توصیه‌ای به طلاب جوان در مورد پژوهش و اخلاق پژوهشی دارید؟

یکی از اولین وجوه اخلاقی در پژوهش این است که احترام کارهای گذشته‌ای که صاحبانی دارد، داشته باشیم و هر مقدار از کارهای دیگران استفاده می‌کنیم، آن را حتما مشخص نماییم، در هر کار تحقیقی انسان می‌خواهد اولاً حقیقت را بفهمد و ثانياً می‌خواهد در کار تحقیقی حرف تازه‌های بزند. حرف تازه هم احتیاج دارد به فکر و دقت نظر، باید فکر کند. نکته دیگر اینکه بدون تقوی و اخلاق پاکیزه، انسان به حرف تازه کمتر می‌رسد.

و نکته آخر.

نکته آخر این است که شما بانیان این راه را رها نکنید. اگر مثل بنده ده‌ها و صدها گرفتاری داشتید، باشد مانعی ندارد، این راه لازم و مفید است، این راه حساب شده است، این راه مورد پسند امام زمان است، رها نکنید. با تشکر و سپاس فراوان از فرصتی که در اختیار محفل قرار دادید.